

بحرینیان با انتقاد از نحوه هزینه کرد منابع ارزی کشور در نیم قرن اخیر مطرح کرد:

۳ هزار میلیارد دلار منابع ارزی هدر رفت



محمد مساعد: دولت کره بیشترین منابعش را برای تولید ماشین آلات صنایع مادر می دهد، چون می داند آن صنعت سودآوری نیست اما نیاز اولیه برای توسعه است، پس به این صنعت رانت می دهد و بلند هم می گوید من به این بخش رانت می دهم تا بتواند بستری را برای صنایع دیگر فراهم کند. دولت های ما رانت را جایی پخش می کنند که اثربخش نیست و از آن بدتر اینکه واضح و صریح هم نمی گویند که در حال توزیع این رانت هستیم. دولت های ما پشت صنعت نیستند، پشت به صنعت هستند. این شاه کلید سخنان محمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه و صنعتگر در دانشگاه علامه بود. بحرینیان در سخنرانی خود با ارائه آمارهایی تلاش کرد نشان دهد که استراتژی مشخصی برای پیشرفت اقتصادی در کشور وجود ندارد و به همین دلیل اتلاف منابع عظیمی صورت می گیرد. از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۴ بیش از سه هزار میلیارد دلار منابع ارزی داشتیم اما این منابع چه دستاوردی داشته است؟ داوود دانش جعفری سخنران دیگر این همایش بود که در سخنان خود با اشاره به تجربیات گذشته از آسیب های اقتصادی کشور به بیان نظرات خود درباره مدیریت ریسک و همچنین مهندسی مقاومت پرداخت. آنچه در ادامه می آید گزارشی از سخنرانی این دو کارشناس خبره اقتصادی در همایش ملی اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال در دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی است.

دانش جعفری: دیرتر از بقیه سراغ اقتصاد مقاومتی رفتیم

داوود دانش جعفری، وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد در سال های ۸۴ تا ۸۷، با بیان اینکه طبق تعاریف، اقتصاد مقاومتی با تاب آوری عجین است، گفت: تاب آوری به طور کلی توان بازگشت یک شیء، کالا، ساختار یا موقعیت به وضعیت سابق، پس از یک بحران و همین طور توانایی و آمادگی برای مواجهه با بحران و خروج از مخمصه است. تاب آوری در اقتصاد مسئله ای مهم و استراتژیک است و متأسفانه ما دیرتر به این بحث رسیده ایم. ما با مشکلاتی مواجه شدیم و پس از آن به فکر افتادیم که چرا تاب آوری پایینی داریم و چرا تا این حد به متغیرهایی غیر از خودمان وابسته هستیم. دانش جعفری با یادآوری روزهای

آغاز تحریم‌های هسته‌ای گفت: در دوران تحریم‌ها ما به خوبی دیدیم که چه نقص‌هایی داریم. برای مثال خطوط تولید خودروی پرایدی که تصور می‌کردیم صفر تا صدش را می‌شناسیم و می‌سازیم، می‌خوابید؛ چون مثلاً فلان قطعه مربوط به قفل مرکزی یا سیستم کیسه هوا را نداشتیم. این به ما فرصت داد بیشتر به خودمان فکر کنیم. اقتصاد مقاومتی در یک جمله توانایی مدیریت ریسک‌هایی اقتصادی است که کشور با آن مواجه است. دانش جعفری گریزی هم به بازار ارز زد و گفت: برای مثال در دورانی که میزان صادرات نفت ایران نصف شد، یکباره قیمت ارز افزایش یافت و هرگز نتوانستیم به وضعیت سابق برگردیم. این نشان می‌داد که بازار ارز ما تاب‌آوری اقتصادی مناسبی ندارد. یک رویکرد این است که احتمال وقوع این شوک را کاهش بدهیم که مدیریت ریسک تعریف می‌شود و رویکرد دیگر این است که در صورت وقوع بحران بتوانیم آن را مدیریت کنیم. برای مثال اگر ما ذخیره ارزی مناسبی داشتیم، هر زمانی که بازار دچار شوک می‌شد، از آن ذخیره استفاده می‌کردیم. این نوعی مهندسی مقاومت است. به قول یکی از دوستان که می‌گفت اقتصاد ایران شبیه بازی مار و پله شده است. هر چند وقت یک بار از نردبان بالا می‌رویم و بعد نیش می‌خوریم و پایین می‌افتیم. حداقل کاری که باید بکنیم، این است که از یک سوراخ دو بار نیش نخوریم.

درس ترکیه و تجربه ترکمنستان

دانش جعفری با اشاره به نوسانات قیمت نفت در سال‌های گذشته گفت: به یاد دارم در یکی از اجلاس‌های جهانی که شرکت کرده بودم، کارشناسان می‌گفتند قیمت نفت در محدوده ۳۰ تا ۴۰ دلار خواهد ماند؛ اما در مدت کوتاهی دیدیم که قیمت نفت به صد دلار و بیشتر رسید. برعکس در دورانی که دولت روحانی شروع به کار کرد، امیدها این بود که نفت در مرز صد دلار بماند؛ اما خیلی زود به کمتر از ۴۰ دلار هم سقوط کرد. پس این نشان می‌دهد قیمت نفت می‌تواند ما را دچار مشکل کند. این مسئله‌ای است که بارها تجربه کرده‌ایم و وقت آن است که عملاً این ریسک را پوشش دهیم. دانش جعفری با اشاره به تجربه ترکیه گفت: از این نمونه‌ها بسیار است و کشورهای دیگر نیز مدت‌هاست به آن می‌پردازند. ترکیه زمانی تمام گاز مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کرد و اتفاقاً روسیه آن را با قیمت ارزانی در اختیار ترکیه می‌گذاشت. باین حال ترک‌ها به مرور متوجه شده بودند که این انحصار که در اختیار روسیه است، می‌تواند در فصل‌های سرد سال تبدیل به یک تهدید شود؛ بنابراین با ما وارد مذاکره شدند تا قسمتی از گاز مورد نیاز خود را از ایران حتی با قیمتی بیشتر از قیمتی که روسیه می‌فروخت، تهیه کنند و این کار را هم کردند. هرچند که در آن زمان برخی روزنامه‌های ترکیه به انتقاد از این تصمیم پرداختند و ترک‌ها هم در جلسات خصوصی برای کاهش قیمت چانه می‌زدند؛ اما ما می‌دانستیم که آنها ته دلشان خوشحال هستند که از زیر انحصار گازی روسیه خارج می‌شوند. برای اینکه متوجه اهمیت آن تصمیم ترکیه بشوید، باید بگویم ما نیز در موقعیت مشابه قرار گرفتیم و وقتی برای گاز استان‌های شمالی روی گاز ترکمنستان حساب کردیم و گزینه آترناتیوی هم تعریف نکردیم، به مشکل خوردیم و ترکمنستان بعد از تهدید و اجبار به افزایش قیمت گاز که زیر بار نرفتیم، در یک زمستان سرد صادرات گاز را به روی استان‌های شمالی ما محدود کرد و ما مجبور شدیم برای تأمین گاز مورد نیاز منازل، گاز واحدهای صنعتی را قطع کنیم.

بحرینیان: دولت‌ها پشت به صنعت هستند

محمد بحرینیان، صنعتگر و پژوهشگر توسعه، نیز دیگر سخنران این مراسم بود که سخنان خود را با اشاره به تأثیر فرهنگ بر اقتصاد شروع کرد و گفت: یکی از پژوهشگران غربی درباره اقتصاد ایران می‌گوید: «ایرانیان به صورت سنتی به تعارف عادت کرده‌اند و همواره به دنبال یافتن خوشایندترین راه‌حل‌ها هستند». همان پژوهشگر می‌گوید: «بیماری‌های اقتصاد ایران را به‌سختی می‌توان با نسخه‌های ویژه جوامع توسعه‌یافته حل کرد». یکی از پژوهشگران غربی حرف بسیار جالبی می‌زند و

می‌گوید: «کشورهایی که نرخ رشد اندکی دارند، به جای آنکه به اصلاحات نهادی بپردازند به دلیل دشواری این اصلاحات، به ساختن سدها، بزرگراه‌ها و تسهیلات بندری مشغول می‌شوند، چون از نظر فنی ساده هستند. دولت‌ها تمایل ندارند که فعالیت‌های توسعه‌ای خود را به محصولاتی گره بزنند که باید به بازار عرضه شوند و به فروش برسند، زیرا با وجود اینکه چنین سرمایه‌گذاری‌ای می‌تواند موجب شکوفایی شود، ممکن است باعث زیان‌های مفتضحانه نیز بشود. دولت‌ها به‌هیچ‌وجه مایل نیستند عملکردشان را به این شکل به آزمون بگذارند، بنابراین به‌جای آنکه شاهد دولت فوق‌العاده با انگیزه و ریسک‌پذیر و غیرمعمول کارآفرین باشیم، می‌بینیم که دولت‌های این‌چنینی به دنبال اجرای پروژه‌هایی مانند بندرگاه و بزرگراه می‌روند که معمولاً به پروژه‌های شکست‌خورده بدل نمی‌شوند و از آنجا که معمولاً حفظ و نگهداری هم نمی‌شوند می‌شود آنها را دوباره و چندباره ساخت؛ پروژه‌هایی که حتی به حداقل تفکر و خلاقیت نیز نیاز ندارند». حتماً این توصیفات برای شما هم آشناست.

کپی‌کاریم

بحرینیان با اشاره به عدم درک درست از پیشرفت در کشور گفت: دولت‌ها در ایران با بدهی ایجاد کردن به دنبال اجرای پروژه‌های این‌چنینی هستند. بعد هم آن‌قدر دستشان خالی می‌شود که می‌گویند منابع برای اتمام این پروژه‌ها وجود ندارد. چرا منابع ندارید؟ چون هدرش داده‌اید. منابع ارزی در اختیار ایران از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۴ شمسی، سه‌هزار و ۶۰ میلیارد دلار بوده است. کره جنوبی با یک‌پنجم این مقدار منابع به کره امروز تبدیل شد. جز این ۴۸۹ میلیارد دلار نیز از منابع خارجی استفاده کرده‌ایم. ما به‌هیچ‌وجه کمبود منابع نداشته‌ایم. ما اتلاف منابع داشته و داریم. اتلاف منابع یعنی اینکه در کشور ۵۴ فرودگاه وجود دارد که فقط سه‌تای آنها توجیه اقتصادی دارند. همه دولت‌ها در طول این مدت تصور کرده‌اند اگر پروژه اجرا کنیم کشور را درست کرده‌ایم و این یعنی دانش توسعه در دولت‌های ما وجود نداشته است. ما پیشگام برنامه‌ریزی در آسیا بوده‌ایم. از سال ۱۹۴۸ این کار را شروع کرده‌ایم؛ یعنی پنج سال زودتر از چین و ۱۴ سال زودتر از کره جنوبی و ۱۸ سال زودتر از مالزی. چین اقتصادش تاب‌آور است و قدرت بازی دارد، چون با فناوری، محصول فناوری را می‌سازد و قدرتش را در خدمات نشان می‌دهد. به طور متوسط از سال ۱۳۵۲ تا امروز رشد اقتصادی کشور ما دو درصد بوده است. این رشد ما را به کجا می‌رساند؟ به عقب. اگر به اطرافمان نگاه کنیم می‌توانیم متوجه شویم که چه خبر است. همین امروز می‌شنویم که چه برداشتهایی از صندوق توسعه ملی صورت می‌گیرد. سهم چند نسل را خوردیم و حالا به خوردن سهم آیندگان رسیده‌ایم. ما قادر به برنامه‌ریزی اقتصادی نبوده و هرگز به اجماع نرسیده‌ایم. در این بین شعار هم می‌دهیم که همه دنیا برای دیدار ما به صف شده‌اند. سهم تجارت ایران از تجارت جهان ۰/۲۴ درصد است. منظورم از تجارت، جمع واردات و صادرات ماست که این صادرات شامل پتروشیمی و میعانات گازی هم می‌شود. این زمین تا آسمان با چیزی که رهبری اقتصاد مقاومتی می‌خواند فاصله دارد. ما در حال حاضر از نظر فناوری تولید در رکود و از نظر تولید عقب‌مانده هستیم. ما در سال ۱۳۳۴، ۲۳ کارخانه تولید روغن نباتی داشتیم و در سال ۱۳۳۸، این تعداد به ۴۸ کارخانه می‌رسد. این یعنی مفهوم کارآفرین لوث شد. ما از همان اولی کپی کردیم و کپی کردیم و بدون هیچ پیشرفتی صرفاً اعداد را بزرگ کردیم. هر ساله صنایع بر پایه تکنولوژی به‌کاررفته در آنها دسته‌بندی می‌شوند. ما تحقیقاتی انجام دادیم و متوجه شدیم ۸۲ درصد صنایع ما در فناوری‌های متوسط و پایین‌تر قرار دارند. تازه گول آن عدد ۱۸ درصد فناوری متوسط بالا و های‌تک را نخورید، چراکه ما به‌لحاظ اخلاقی برخی صنایع را طبق تعاریف در همان دسته‌ای که قرارداد کرده بودیم قرار دادیم، اما حقیقت این است که برخی از آنها واقعاً فناوری متوسط یا بالایی ندارند؛ برای مثال صنعت ساخت تلویزیون نیز در همین دسته فناوری‌های بالا قرار می‌گیرد. کشور ما ۲۳ کارخانه دارای پروانه بهره‌برداری تلویزیون دارد؛ یعنی ۱۰ برابر کشور کره، اما آیا از نظر فناوری قابل مقایسه هستیم؟ کشور ما ۱۶۰ شرکت دارویی و ۹۷ خط تولید دارو دارد، اما وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که چقدر در



این بحث به واردات وابسته‌ایم. سوئیس هفت کارخانه تولید دارو دارد. ما برخی از داروها را بررسی کردیم و متوجه شدیم فقط یک قلم دارو را ۲۷ کارخانه مختلف تولید می‌کنند. ما ۵۲ خودروساز مونتاژکار داریم. این یعنی ما استراتژی نداریم؛ یعنی هرگز نیامده‌ایم از بالا به قضیه نگاه کنیم و ببینیم کجای کار هستیم.

آمارها متناقض است

بحرینیان در بخش دیگری از سخنان خود به تفاوت در توزیع امکانات بین ایران و کره اشاره کرد و گفت: این یک شاهکار است که دولت کره بیشترین منابعش را برای تولید ماشین‌آلات صنایع مادر می‌دهد، چون می‌داند آن صنعت سودآوری نیست، اما نیاز اولیه برای آن توسعه است پس به این صنعت رانت می‌دهد و بلند هم می‌گوید من به این بخش رانت می‌دهم تا بتواند بستری را برای صنایع دیگر فراهم کند. دولت‌های ما رانت را جایی پخش می‌کنند که اثربخش نیست و از آن بدتر اینکه واضح و صریح هم نمی‌گویند که در حال توزیع این رانت هستیم. دولت‌های ما پشت صنعت نیستند، پشت به صنعت هستند. کشور ما از سال ۱۳۸۵ تحریم شده است، سهم بخش تولید کشور از ۳۱ به ۱۸,۵ درصد و سهم بخش کشاورزی از ۱۸,۵ به ۹,۵ درصد کاهش پیدا کرده است. بعد صادرات کشور از ۲,۱ به ۴,۵ افزایش پیدا کرده است. اینها با هم متناقض هستند. تا وقتی حاضر نباشیم با واقعیت روبه‌رو شویم، نمی‌توانیم به بهبود امیدوار باشیم.

http://sharghdaily.ir/?News_Id=162692